



بررسی و نقد کتاب دانشگاهی

درآمدی بر رده‌شناسی زبان، ادیت موراوسیک (۲۰۱۳)

پارسا بامشادی^۱

مقدمه

رده‌شناسی زبان که امروزه یکی از شاخه‌های پویا و رو به گسترش در زبان‌شناسی است، می‌کوشد از رهگذر بررسی و مقایسه‌ی زبان‌های گوناگون به تعمیم‌های فراگیر و در پی آن به شناخت جهانی‌های زبان دست یابد. به سخن دیگر، به دنبال رسیدن به یگانگی‌ها از راه بررسی چندگانگی‌هاست. کرافت (۲۰۰۳: ۱) دو تعریف برای رده‌شناسی ارائه می‌دهد؛ یکی دسته‌بندی رده‌های ساختاری در میان زبان‌ها که آن را دسته‌بندی رده‌شناختی (typological classification) می‌نامند. در این تعریف، هر زبان را در یک رده جای می‌دهند و رده‌شناسی زبان به معنای تعریف رده‌ها و دسته‌بندی زبان‌ها در آن رده‌ها می‌باشد. دیگری، رده‌شناسی به معنای بررسی الگوهای ساختارمندی است که در میان زبان‌ها رخ می‌نماید که این تعریف را تعمیم رده‌شناختی (typological generalization) می‌نامند و الگوهای یافت‌شده در این تعمیم‌ها را همگانی‌های زبان می‌گویند. از این رو، می‌توان گفت که رده‌شناسی دو هدف عمده دارد: دسته‌بندی زبان‌ها و شناسایی الگوهای همگونی در میان زبان‌ها.

در توصیف وضعیت امروزه رده‌شناسی زبان شاید نتوان سخنی کوتاه‌تر و گویاتر از سخن نیکولز (۲۰۰۷: ۲۳۶) گفت که می‌گوید «رده‌شناسی زبان روی غلتک افتاده و می‌خواهد همچنان به پیش رود». می‌توان گفت امروزه رده‌شناسی هم یک رویکرد نظری به زبان است و هم روشی در جهت شناخت هرچه بیشتر ماهیت زبان. دنیل رده‌شناسی زبانی را این‌گونه تعریف می‌کند: «رده‌شناسی زبانی، زبان‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کند تا دریابد چه تفاوت‌هایی با هم دارند، تا ببیند این تفاوت‌ها تا چه حدی است و تا بدانند چه تعمیم‌هایی را می‌توان برای گوناگونی‌های بین‌زبانی ارائه داد» (دنیل، ۲۰۱۱: ۴۴). وی بر این باور است که شالوده‌ی زبان‌شناسی بر بررسی‌های رده‌شناختی استوار است و زبان‌شناسی اساساً یک حرکت رده‌شناختی است

و می‌گوید «پیشینه بیشتر شاخه‌های زبان‌شناسی به مقایسه بین‌زبانی بازمی‌گردد [...]» (همان: ۴۴). این دیدگاه را دیکسون (۲۰۱۰) و شوپن (۲۰۰۷) نیز ابراز کرده‌اند. همچنان‌که دنیل (۲۰۱۱: ۴۵) گفته است، رده‌شناسی بیشتر گرایش به شناسایی و بررسی تفاوت‌های بین‌زبانی دارد تا شباهت‌ها. زیرا با شناخت تفاوت‌هاست که ما می‌توانیم دریابیم حد و مرز گوناگونی زبان‌ها تا کجاست. اما در مقابل، زبان‌شناسی تاریخی و زبان‌شناسی برخورد (contact linguistics) به شباهت‌های میان زبان‌ها می‌نگرند زیرا این شباهت‌ها هستند که می‌توانند به صورت ژنتیکی منتقل شود و در اثر برخورد میان زبان‌ها گسترش یابند. در حالی‌که زبان‌شناسی تاریخی و زبان‌شناسی برخورد به بررسی زبان‌هایی می‌پردازند که از نظر خویشاوندی یا از نظر جغرافیایی به هم نزدیک‌اند، رده‌شناسی زبان‌هایی را بررسی می‌کند که این چنین پیوندهایی با هم نداشته باشند.

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه رده‌شناسی زبان انجام گرفته و کتاب‌های زیادی در این باره نوشته شده است. یکی از جدیدترین کتاب‌های این حوزه، «درآمدی بر رده‌شناسی زبان» (Introducing Language Typology) به قلم ادیت موروسیک است. موروسیک استاد بازنشسته زبان‌شناسی در دانشگاه ویسکانسین میلواکی آمریکا است. وی نگارنده چندین مقاله و کتاب در زمینه رده‌شناسی و نحو است. کتاب‌های تألیفی پیشین او عبارتند از: درآمدی بر نظریه نحوی (۲۰۰۶) و درآمدی بر نحو (۲۰۰۶). وی همچنین ویراستار کتابی دوجلدی با عنوان زبان کلیشه‌ای (۲۰۰۹) بوده و به‌تازگی هم در ویراستاری کتابی با عنوان انگیزه‌های رقیب در دستور و کاربرد (۲۰۱۴) مشارکت داشته است.

در جستار پیش‌رو به بررسی و نقد تازه‌ترین کتاب موروسیک یعنی «درآمدی بر رده‌شناسی زبان» می‌پردازیم. کتاب مورد بررسی با اهداف کاملاً آموزشی برای دانشجویان رشته زبان‌شناسی و نیز مخاطبان عام که تا اندازه‌ای آشنایی با زبان‌شناسی دارند، نوشته شده است. برای بررسی موشکافانه کتاب لازم است که ابتدا مروری بر فصل‌های آن داشته باشیم و سپس مزایا و کاستی‌های احتمالی آن را مورد واکاوی قرار دهیم.

مرور فصل‌های کتاب

کتاب دارای هفت فصل است که در فصل نخست آن مفاهیم مقدماتی رده‌شناسی مطرح می‌شود، پنج فصل بعدی هر کدام به یکی از انواع رده‌شناسی واژگانی، نحوی، ساختواژی، واجی و سرانجام رده‌شناسی دگرگونی‌های زبانی می‌پردازد و فصل پایانی نیز به بحث تبیین‌های رده‌شناختی اختصاص دارد.

فصل یک

در فصل نخست اهداف پژوهش‌های رده‌شناختی و نیز ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش‌ها بیان می‌شود. این فصل انواع گزاره‌ها، انواع همگانی‌ها و دسته‌بندی‌های آنها را معرفی کرده و به پرسمان نمونه‌برداری و گردآوری داده‌ها در پژوهش‌های رده‌شناختی می‌پردازد. نویسنده کتاب دلایل همگونی میان زبان‌ها را پنج عامل می‌داند: (۱) داشتن ریشه تاریخی مشترک (خویشاوندی)، (۲) برخورد (تماس) میان زبان‌ها، (۳) محیط

(طبیعی و فرهنگی) همگون، ۴) رده‌ها و ۵) جهانی‌ها. وی می‌نویسد: چهار دلیل نخست می‌تواند پاسخی برای این پرسش باشد که چرا برخی زبان‌ها مشابه هستند. اما دلیل پنجم (یعنی همگانی‌ها) توضیحی برای مشابهت‌های میان همهٔ زبان‌هاست و رده‌شناسی زبان به بررسی ویژگی‌های رده‌ای و جهانی مشترک در زبان‌ها می‌پردازد. بر این پایه، مورائوسیک هدف اصلی رده‌شناسی را بررسی مشابهت‌های میان زبان‌ها می‌داند، که این دیدگاه چندان با دیدگاه دنیل (۲۰۱۱) که کار اصلی رده‌شناسی را بررسی تفاوت‌های بین‌زبانی می‌داند، سازگار نیست. نویسنده ابزارهای مفهومی موردنیاز در رده‌شناسی را انواع گزاره‌ها (وجودی و همگانی) می‌داند که گزاره‌های همگانی خود می‌توانند به صورت‌های نامحدود (unrestricted) یا تلویحی (implicational)، مطلق یا آماری، جانشینی (paradigmatic)، هم‌نشینی (syntagmatic) یا بازتابی (reflexive) و ساده یا پیچیده باشند. لازم به ذکر است که مورائوسیک (۲۰۱۱) اصطلاح همگانی احتمالاتی را به جای همگانی آماری به کار برده است.

وی هدف از صورت‌بندی گزاره‌های همگانی را «یافتن تعمیم‌هایی که دربارهٔ همهٔ زبان‌های بشری (یا بیشتر آنها؛ یا بیشتر یک مجموعهٔ خوش‌تعریف از آنها) صادق باشد» می‌داند و اینجاست که نمونه‌برداری اهمیت می‌یابد. در بحث نمونه‌برداری، نمونهٔ خوب را نمونه‌ای می‌داند که نمایندهٔ همهٔ خانواده‌های زبانی، همهٔ مناطق جغرافیایی و همهٔ فرهنگ‌ها باشد، زیرا هدف رده‌شناس بررسی همگونی‌ها و ناهمگونی‌های میان زبان‌هاست که مستقل از رابطهٔ خویشاوندی، برخورد زبانی و محیط فرهنگی باشند. مورائوسیک اشاره به هیچ روش نمونه‌برداری خاصی نکرده است، اما روش‌هایی برای این کار وجود دارد که کسانی همچون باکر (۲۰۱۱) به بررسی آنها پرداخته‌اند. برای آشنایی با روش‌های نمونه‌برداری و به‌ویژه روش ارزش تنوع (Diversity Value)، انواع نمونه‌ها و اندازهٔ نمونه، و نیز شیوهٔ گردآوری و ارائهٔ داده‌ها در رده‌شناسی به باکر (۲۰۱۱) رجوع کنید.

فصل دو

در فصل دوم رده‌شناسی واژگانی مطرح می‌شود و همگونی‌ها و ناهمگونی‌های معنای واژه‌ها در زبان‌های گوناگون بررسی می‌گردد. در این راستا به حوزه‌های مفهومی همچون نام اندام‌های بدن، واژه‌های خویشاوندی، ضمیرهای شخصی، رنگ‌واژه‌ها، صفت‌ها، اعداد و ... پرداخته می‌شود. آن چه که مورائوسیک رده‌شناسی واژگانی نامیده، کسانی همچون ایوانز (۲۰۱۱) زیرشاخه‌ای از رده‌شناسی معنایی دانسته‌اند. زیرا در رده‌شناسی معنایی به بررسی شیوهٔ بیان معنا به کمک نشانه‌های زبانی در زبان‌های گوناگون پرداخته می‌شود و واژه‌ها زیرمجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی به شمار می‌آیند (ایوانز، ۲۰۱۱: ۵۰۴).

فصل سه

در فصل سوم و در بررسی رده‌شناسی نحوی، سه پرسمان اصلی را دنبال می‌کند؛ چگونه زبان‌ها در گزینش واژه‌ها، در گزینش صورت واژه‌ها و در آرایش واژه‌ها با هم تفاوت دارند. برای رسیدن به پاسخ پرسمان‌های مذکور، نویسنده به موضوعاتی همچون مطابقت دستوری، ضمیرهای بازایافتی (resumptive pronoun)،

طبقه‌نماها (classifier)، انطباق مفعولی (accusative alignment)، نظام کنایی (ergative system)، آرایش واژه و جفت‌های همبستگی (correlation pair) پرداخته است. در پایان فصل نیز در بخش رده‌شناسی مقوله‌های نحوی، مقوله فاعل و ویژگی‌های آن را در چند زبان گوناگون بررسی نموده و نشان داده است که تعریف یکسانی برای مقوله فاعل در همه زبان‌ها نمی‌توان ارائه داد و تعریف و ویژگی‌های آن از زبانی به زبان دیگر متفاوت است.

فصل چهارم

فصل چهارم به رده‌شناسی ساختوازی اختصاص دارد. نویسنده بر این باور است که خوش‌ساخت بودن جمله بستگی به گزینش واژه مناسب، صورت واژه مناسب و آرایش واژه مناسب دارد و زبان‌ها در هر سه این موارد با هم تفاوت دارند، پرسمانی که کانون توجه فصل سوم کتاب نیز بود. اما آنجا از دیدگاه نحوی بررسی می‌شد. در لابلای این فصل به رده‌های ساختوازی گوناگون در زبان‌ها پرداخته شده و رده‌های تحلیلی (analytic)، ترکیبی (synthetic)، تفکیکی (separatist)، تجمیعی (cumulative) و انواع وندها را به بحث گذاشته است. در بخش دیگری، موضوع تکواژها و صورت تکواژها را مطرح نموده و در این راستا پارامترهایی همچون ستاک یا وند بودن، وند تفکیکی یا تجمیعی بودن، و وند تک‌معنا (monosemous) یا چندمعنا (polysemous) بودن و نیز گوناگونی‌های بین‌زبانی آنها را واکاوی نموده است. مبحث دوگان‌سازی (reduplication) و ساختارهای دوگان‌ساخته (reduplicative structure)، صورت‌های صفر (zero form) و سه ویژگی مربوط به آنها و نیز آرایش تکواژها از دیگر موضوع‌های مطرح‌شده در این فصل است. در بخش پایانی این فصل، مقوله‌های ساختوازی همچون وند و واژه، وندهای اشتقاقی و تصریفی و دشواری‌هایی که بر سر راه تعریف و شناسایی ویژگی‌های متمیزه آنها در زبان‌های گوناگون وجود دارد بررسی گردیده است.

فصل پنجم

فصل پنجم به رده‌شناسی واجی و ارائه تعمیم‌های بین‌زبانی در این زمینه اختصاص دارد. پرسمان اصلی این فصل بررسی تفاوت زبان‌ها در امکان باهم‌آیی آواها و نیز خوشه‌های آوایی مجاز آنها است. در بررسی شیوه‌های گزینش آواها در زبان‌های گوناگون، موضوع‌های هماهنگی همخوانی (consonant harmony) و هماهنگی واکه‌ای (vowel harmony) مطرح شده است. در بررسی صورت آواها به مسائلی همچون واج‌گونه، همگونی، خنثی‌شدگی و واک‌رفتگی (devoicing) پرداخته شده و تعمیم‌های بین‌زبانی آنها ارائه گردیده است. بخش دیگر این فصل به آرایش آواها، محدودیت‌های نحوی، ساختوازی و واجی حاکم بر آن و دیگر مسائل پیرامون آن همچون ساختار هجا، پایگان‌رسانی (sonority hierarchy)، تجزیه‌پذیری (resolvability)، جایگاه تکیه، روابط زمانی و روابط نشان‌داری پرداخته است. مقوله‌های واجی و دشواری‌های تعریف و تشخیص آنها در زبان‌های گوناگون، نظام‌های نوشتاری و انواع آن و زبان‌های اشاره‌ای

از دیگر مباحث بررسی شده در این فصل است. روی هم رفته ۳۹ تعمیم رده‌شناختی در این فصل ارائه گردیده است.

فصل شش

در فصل ششم که به رده‌شناسی دگرگونی‌های زبان می‌پردازد، وارد رده‌شناسی درزمانی (diachronic typology) می‌شود. در این راستا موضوعاتی همچون دگرگونی‌های تاریخی زبان و چرایی و چگونگی آنها، فراگیری و به‌کارگیری زبان بررسی گردیده است. دگرگونی‌های حرف تعریف و آرایش واژه، دستوری‌شدگی (grammaticalization)، قیاس (analogy) و بازکاوی (reanalysis) از موارد مطرح‌شده در بحث رده‌شناسی درزمانی است. در بحث فراگیری زبان اول و دوم موضوعاتی مانند بیش‌گسترش (overextension)، لهجه و ضمیرهای بازیافتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بحث به‌کارگیری زبان (یا کش زبانی) نیز به بندهای موصولی و انگیزه‌های رقیب (competing motivations) مؤثر بر آنها پرداخته شده است.

فصل هفت

فصل هفتم به تبیین‌های رده‌شناختی پرداخته و در این راستا سه عامل دستور زبان، فراگیری زبان و کاربرد زبان را بررسی کرده است. در تبیین سه نمونه از موضوعات، یعنی حروف تعریف، حروف اضافه و فعل‌های کمکی، از سه تبیین دستوری‌شدگی، هماهنگ‌شدگی (harmonization) و نزدیک‌شدگی (proximization) بهره برده که هر سه در زمره فرآیندهای درزمانی هستند. سپس به تبیین خود این فرآیندهای درزمانی پرداخته و آنها را به کمک دو عامل فراگیری زبان و کاربرد زبان توضیح داده است. در مرحله بعد، به کمک عامل کارکرد (نقش) زبان دو فرآیند فراگیری و کاربرد زبان را تبیین نموده است. یعنی زنجیره‌ای از عامل‌ها را به صورت زیر ارائه داده است:

کارکرد -> فراگیری و کاربرد -> دگرگون درزمانی -> دستور هم‌زمانی.

سپس کارکرد زبان را شامل دو عامل دانسته: ۱) هدف‌هایی که از به‌کارگیری زبان دنبال می‌کنیم و ۲) ابزارهایی که برای رسیدن به این هدف‌ها در اختیار داریم. در پایان ده ابزار شناختی که نقش مهمی چه در شکل‌گیری و دگرگونی زبان و چه در دیگر قوای شناختی آدمی بازی می‌کنند را بررسی کرده است که عبارتند از: کل و جزء، هسته و وابسته، نوع و نمونه (type and token)، نشان‌دار و بی‌نشان، خطی‌سازی (linearization)، نمادگرایی (symbolism)، تصویرگونگی (iconicity)، تقلید و ساده‌سازی.

ارزیابی کلی کتاب

یکی از ویژگی‌های کتاب این است که محدود به گستره خاصی از رده‌شناسی نیست و همه حوزه‌های پژوهشی در این زمینه را زیر پوشش قرار می‌دهد، یعنی به رده‌شناسی واژگانی، ساختوازی، نحوی، واجی و حتی رده‌شناسی سامانه نوشتاری (خط) و زبان‌های اشاره نیز می‌پردازد. از این رو، خواننده را با همه گستره پژوهش‌های رده‌شناختی آشنا کرده و یک دید فراگیر و کلی به او می‌دهد. این ویژگی پوشش موضوعی برای

کتابی که داعیه آموزش بودن و همه‌پسند بودن دارد بسیار دارای اهمیت است؛ زیرا همان‌گونه که دانیل (۲۰۱۱: ۴۴) می‌گوید، از آنجا که گوناگونی زبان‌ها در همه سطوح زبانی به چشم می‌خورد پس رده‌شناسی زبانی باید همه سطوح ساختار زبان - یعنی واج‌شناسی، ساختواژه، نحو و معناشناسی - را در کانون توجه خود قرار دهد.

یکی دیگر از ویژگی‌های این کتاب که خود نویسنده نیز بر آن تاکید دارد، رویکرد گسترده و پیشانظری کتاب است که بررسی‌های خود را در چارچوب نظری خاصی محدود نمی‌کند و از این رو برای خوانندگانی که با نظریه‌های گوناگون زبان‌شناسی آشنایی ندارند نیز گیرا و فهم پذیر است. داده‌های مورد بررسی از زبان‌ها و خانواده‌های زبانی گوناگون گزینش شده‌اند و نویسنده کوشیده است با بهره‌گیری از نمونه‌هایی از زبان‌های گوناگون همگانی‌های زبانی را نشان دهد. از دیگر ویژگی‌های کتاب این است که با ارائه استدلال‌ها و واکاوی‌های رده‌شناختی می‌کوشد خواننده را با شیوه اندیشه‌ورزی و برهان‌آوری در پژوهش‌های رده‌شناختی آشنا کند و ارتباط نزدیک میان اندیشه‌ورزی رده‌شناختی با شیوه‌های اندیشه‌ورزی در دیگر رشته‌های علمی را نشان دهد.

از دیگر مزایای کتاب سادگی و روانی متن آن و نیز بهره‌گیری از داده‌های فراوان و از زبان‌های گوناگون است. موراسیک در بررسی‌های بین‌زبانی خود در کتاب از بیش از ۱۵۰ زبان گوناگون نمونه آورده است و این می‌تواند یک مزیت بسیار مهم باشد؛ زیرا در پژوهش‌های رده‌شناختی مهم‌ترین معیار یافته‌ها و همگانی‌ها، اعتبار بین‌زبانی آنهاست. فهرست زبان‌هایی که از آنها نمونه آورده در پایان کتاب داده شده است. همچنین، در همه فصل‌های کتاب پس از آنکه به بررسی هر موضوع پرداخته، تا حد امکان همگانی‌ها و تعمیم‌های بین‌زبانی در پیوند با آن موضوع را نیز بیان کرده است که خواننده بتواند از هر موضوع مطرح‌شده یک نتیجه و یافته رده‌شناختی نیز به دست آورد. برای نمونه، در فصل چهارم که در آن بیست تعمیم همگانی و تلویحی ارائه شده، در بررسی مبحث دوگان‌سازی در زبان‌های گوناگون این چنین تعمیم‌هایی ارائه داده است:

تعمیم-۸: اگر یک زبان دوگان‌سازی جزیی (یا بخشی) داشته باشد، دوگان‌سازی کامل نیز خواهد داشت. (ص ۱۲۷)

تعمیم-۹: صورت‌های پرسامد دوگان‌وندها (duplifix) عبارتند از: یک همخوان، یک هجا، یا دو هجا. (ص ۱۲۸)

مزیت ارائه تعمیم رده‌شناختی این است که افزون بر این که یک نتیجه روشن و مشخص از هر بحث رده‌شناختی به دست می‌دهد، امکان آزمون و ارزیابی یافته‌ها را نیز به‌سادگی برای دیگر پژوهشگران فراهم می‌نماید. برای نمونه، یک پژوهشگر می‌تواند با بررسی مبحث دوگان‌سازی در زبان فارسی، درجه اعتبار تعمیم‌های پیش‌گفته را بیازماید.

طراحی کتاب نیز مناسب و هدفمند است. در آغاز هر فصل پیش‌نمایی (outline) از مطالب آن فصل به همراه فهرستی از کلیدواژه‌ها آمده که خواننده را با کلیات فصل آشنا می‌کند. در پایان هر فصل نیز فشرده‌ای از مطالب فصل آمده است و منابعی نیز برای مطالعه بیشتر معرفی شده‌اند. در جای‌جای کتاب در کادرهایی

به عنوان توضیح یا نکته مطالبی دیده می‌شود که در بردارنده اطلاعات افزوده و سودمندی است و در فهم هرچه بیشتر موضوع یاریگر است. همچنین هر فصل دارای تعدادی تمرین و فعالیت است که نشان‌دهنده رویکرد آموزشی کتاب است. در پایان کتاب نیز واژه‌نامه‌ای توصیفی گنجانده شده است که واژه‌های فنی رده‌شناسی را توضیح می‌دهد.

پس از اینکه مزیت‌های کتاب را برشمردیم، لازم است به برخی از کاستی‌های آن نیز اشاره شود. این کتاب می‌توانست فصلی هم درباره کاربردهای رده‌شناسی زبان داشته باشد که در آن به بررسی کاربردهای این شاخه پژوهشی در مواردی همچون زبان‌شناسی تاریخی و بازسازی‌های (reconstruction) زبانی، فراگیری زبان نخست و یادگیری زبان دوم پرداخته شود. در زمینه بازسازی‌های زبانی، یافته‌های رده‌شناسی می‌تواند هم در انجام بازسازی و هم در ارزیابی آن سودمند باشد. افزون بر این، می‌توان در بررسی روند دگرگونی‌های زبانی و اصول و محدودیت‌های حاکم بر آنها، از یافته‌های رده‌شناسی سود جست (برای نمونه، بنگرید به شیلدز، ۲۰۱۱). دیگر موضوعی که جای خالی آن در کتاب احساس می‌شود، بحث برخورد زبان‌ها (language contact) و اندرکنش آن با رده‌شناسی است. برای نمونه، می‌توان اثرات همگونی یا ناهمگونی رده‌شناختی میان زبان‌ها بر فرآیندهای ناشی از برخورد زبان همچون دگرگونی زبان، دوزبانگی، رمزگردانی و وام‌گیری را مورد بررسی قرار داد.

به‌طور خلاصه می‌توان مزایای کتاب را این‌گونه برشمرد: بهره‌گیری از داده‌هایی از زبان‌های گوناگون، پوشش همه زمینه‌های اصلی زبان (نحو، ساختواره، واج‌شناسی و معناشناسی)، ارائه تعمیم‌های رده‌شناختی برای هر موضوع مورد بررسی، رویکرد پیش‌انظری و نیاز نداشتن به پیشینه علمی زیاد، ساختاربندی مناسب فصل‌ها، سادگی و روانی متن، طراحی مناسب. همه این مزایا سبب می‌شود که کتاب «درآمدی بر رده‌شناسی زبان» به‌عنوان یک کتاب مرجع بسیار خوب برای درس رده‌شناسی در دانشگاه تلقی شود. خواندن این کتاب به همه کسانی که در پی آشنایی با بنیادها و روش‌های رده‌شناسی و درک گستره پژوهشی این شاخه از زبانشناسی‌اند، توصیه می‌شود.

منابع

- Bakker, Dik (2011). "Language Sampling". In J. J. Song (ed.), *The Oxford Handbook of Linguistic typology* (pp. 101-127). Oxford: Oxford University Press.
- Corrigan, Robert, Edith A. Moravcsik, Hamid Ouali & Kathleen Wheatley (2009). *Formulaic Language* (2 vols). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Croft, William (2003). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Daniel, Michael. (2011). "Linguistic typology and the study of language". In J. J. Song (ed.), *The Oxford handbook of linguistic typology* (pp. 43-68). Oxford: Oxford University Press.

- Dixon, R.M.W. (2010). *I am a linguist*. Leiden: Brill.
- Evans, Nicholas (2011). "Semantic Typology". In J. J. Song (ed.), *The Oxford Handbook of Linguistic typology* (pp. 504-533). Oxford: Oxford University Press.
- MacWhinney, Brian, Andrej Malchukov, and Edith A. Moravcsik (2014). *Competing Motivations in Grammar and Usage*. Oxford: Oxford University Press.
- Moravcsik, A. Edith (2006). *An Introduction to Syntactic Theory*. London and New York: Continuum.
- Moravcsik, A. Edith (2006). *An Introduction to Syntax: Fundamentals of Syntactic Analysis*. London and New York: Continuum.
- Moravcsik, A. Edith (2011). "Explaining Language Universals". In J. J. Song (ed.), *The Oxford handbook of linguistic typology* (pp. 69-89). Oxford: Oxford University Press.
- Shields, Kenneth (2011). "Linguistic Typology and Historical Linguistics". In J. J. Song (ed.), *The Oxford handbook of linguistic typology* (pp. 551-567). Oxford: Oxford University Press.
- Shopen, Timothy (ed.) (2007). *Language typology and syntactic description, Vol. 1: Clause structure*, (2nd ed.). Cambridge: Cambridge University Press.